

قاتلان قائد شهید را
قصاص خواهیم کرد

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۴۵ | دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵ | ۲۸ محرم ۱۴۴۸ | ۱۳ جولای ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی

رامین نصیری

۲
نگاه

پایانی بر زندگی یک شرور

نوید کمالی

۶
راهبرد

فصل جدید ناتو

آرش فهیم

۷
فرهنگ

انتقام در سینما

نهضت جهانی انتقام و قصاص

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی)، که به مناسبت تشییع و تدفین آقای شهید ایران صادر گردید؛ میانی و منطق خونخواهی امام شهید و دیگر شهیدان دو جنگ اخیر و همچنین چگونگی گرفتن انتقام و قصاص جنایتکاران به خوبی ترسیم شد. بدون تردید این پیام را می‌توان منشور خونخواهی و راهبردهای تحقق آن ارزیابی کرد.

در این پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی، از اساس انقلاب رایک

حرکت حسینی دانسته و بر همین مبنا، آقای شهید ایران را اینچنین در امتداد امام حسین توصیف می‌نمایند:

«او حسینی بود، حسینی اندیشید، حسینی حرکت کرد، حسینی جهاد و مقاومت نمود، حسینی زیست و حسینی خون خود را در راه مکتب حسین تقدیم کرد و به شهادت رسید.»

بسیار روشن است که وقتی امام شهید این گونه به شهادت می‌رسند، موضوع خونخواهی ایشان هم، به نوعی شباهت با خونخواهی امام حسین (ع) پیدا می‌کند و هر انسان آزاده ای خونخواه امام شهید شود.

در این پیام این مهم، اینچنین تبیین شده است: «ملت ما خونخواه حسین است. این ملت بزرگ

سالها فرزندان خود را در راه حسین و در جنگ با دشمنان حسین و مرام حسینی فدا کرد. و اینک هم خونخواه او و حسینیان زمان است.»

در این منشور خونخواهی، از جمله نکات بسیار مهم یکی عهد و پیمان برای خونخواهی، و دیگری مسئولیت همگانی برای تحقق آن در مقیاس جهانی است.

بدون تردید این پیام از سوی امام امت برای خونخواهی، انتقام، مجازات و قصاص آمرین و عاملین خبیث جنایت به شهادت رساندن امام شهید، لرزه بر اندام جنایتکاران انداخته، خواب و آرامش را از آنان تا لحظه به هلاکت رسیدن خواهد گرفت.

نکات مهم و راهبردی شکل دهنده

به یک نهضت جهانی برای انتقام و قصاص در پیام، عبارت است از؛

«اکنون به پیشوای شهیدمان عرض می‌کنم: ای قاتل مظلوم! ای مظلوم سرافراز! ای بنده صالح خدا!

حال که با چشمان اشکبار و دلهای شکسته با پیکر شما وداع می‌کنیم، با شما عهد می‌بندیم که مکتب شما را پاس بداریم و آن طریق مستقیمی که شما ترسیم کردید را با استقامت

پیماییم و در این راه از سختی‌ها نهراسیم، و همچون شما به بشارت و وعده‌های الهی دل ببندیم. عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه ی شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر

تا ذیل شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آنها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و به زودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا، هریک بخشی از این ماموریت الهی را انجام خواهند داد.»

آری وقتی ماموریت الهی باشد و مجاهدان برای انجام دادن این امر الهی دست به مجاهدت بزنند، قطعاً خداوند متعال هم نصرت خود را شامل حال آنان کرده، موفقیت در انجام ماموریت را برایشان تضمین می‌نماید

«وما النصر الا من عندالله العزيز الحکیم.»

۷
فرهنگدیدار
در موعد تاریخ



حسن نوروزی

روز نامه نگار

تاریخ در پهنه کهن سال خود کمتر به خود دیده است که مرد الهی در آخرین وداع خود چنین اقیانوس خروشانی از دل‌های بی‌قرار را گرد خویش جمع کند؛ تاریخ اسلام، پایتخت‌ها و بلاد گوناگون، از بغداد پر آشوب تا حجاز ساکت، و از حوزه‌های دیرپای قم تا صحن‌های ملکوتی نجف، هرگز شاهد تشییعی بدین عظمت و شکوه نبوده که میلیون‌ها زائر شیدا، شبانه‌روز پیکر پاکی را بر روی دستان لرزان خود حمل کنند. قیصران و کسرها در حسرت داشتن امتی این چنین وفادار و جان‌فشان سوختند و شاهان پر جبروت ایرانی هرگز حتی خواب چنین رستاخیز اساطیری را به چشم ندیدند.

اما تهران... در هفته گذشته قیامتی بی‌سابقه را به چشم دید؛ طوفانی از عاطفه و حماسه که این شهر را به مهد پیوند زمین و آسمان تبدیل کرد. این رستاخیز بی‌همتا، بدرقه باشکوه پیکر مطهر «شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای»

بود؛ بدرقه‌ای که تنه به تنه بزرگ‌ترین رویدادهای سرنوشت‌ساز تاریخ می‌زد. ایسن جلوه‌ای تمام‌عیار از ایده راستین انقلاب اسلامی بود که این‌گونه به مکتب تشیع عزت بخشید و نگاه مبهوت تمام جهانیان را به تابوت فقیهی مجاهد گره زد. مسلمان‌نماهایی که گمان می‌بردند دین‌داری تنها در سکوت و انتظار عزلت‌نشینانه خلاصه می‌شود، در هفته گذشته چشمان خود را گشودند تا اوج شکوه و ابهت اسلام را در رکاب تابوت این رهبر فرزانه نظاره کنند.

♦ تو را خداشناسان شناختند

نگین فیروزه‌ای‌قم، پروانه‌های میلیونی را به‌دور شمع کشوردوست ایران جمع کرده بود! در این میان حرف دل میلیون‌ها ایرانی از نای ملکوتی فقیهی وارسته همچون آیت‌الله جوادی آملی تعریف می‌شد! که همچون دلدادگان کوی تو، بر سر پیکرت مویه کردند و با الحانی پر از سوز خواندند: «انه نزل عندک شهیدا للاسلام والقران والعتره»، همین جملات گواهی آن است که اعلام کند رهبر ما کسی است که فیلسوفان و بزرگانی با عظمت و ژرف‌ای اندیشه او را شناختند؛ دانشمندانی که در نود و سه سالگی و در قله تقوا و مرجعیت، با کمری خمیده از داغ سنگینت، مانند

پدری جوان مرده اشک ریختند و زار زدند که ای ایستاده در برابر جهل جاهلان و ای عزیزترین نام در قلب‌های عارفان و سالکان حق.
بله، رهبر عزیز ما! تو را آن تماشاگر کم‌خرد رسانه‌های بیگانه که با حماقت به دنبال آدرس کاخ‌های خیالی می‌گشت، هرگز شناخت. تو را آنان که چهل سال تمام با کلامی عوامانه تهمت پراکنندند و حتی با جاری شدن خون پاکت از خواب غفلت بیدار نشدند، درک نکردند. مست‌ها و هرزه‌پویان هرگز لیاقت شناخت حقیقت تو را نداشتند. حتی آن مسئولی که برای خون سرخ و مطهرت ارزشی شایسته قائل نبود و به سادگی از عظمت این ایثار گذشت، تو را نفهمید؛ تو را بزرگان و فیلسوفانی شناختند که جز خدا ندیدند و جز خدا نگفتند.

♦ کربلایی دوباره در عراق

شمع محفل مقاومت هم در حیات مرزها را درنورید و در قلوب مردم جای گرفت و هم در ممات‌از همین روقتی پیکر مطهر رهبر شهید به‌عراق رسید؛ مردم وفادار عراق، پیکر خسته این سید والا مقام را تنگ در آغوش کشیدند! تابوت مطهر او را مانند پیکر پاک پیران بافضیلت و شیوخ عالی‌قدر نجف، از میانه بازارهای قدیمی عبور دادند؛ همان بازارهایی که انتهای آن به گنبد طلایی و ملکوتی امیرالمؤمنین

(ع) منتهی می‌شود. پیکرش را در میان صحن‌های پرفیض طسواف دادند و تن مجروحش را به ضریح سردار مظلومان چسباندند. اهل عراق، فرش‌های سرخ عاشورایی را در بین‌الحرمین گسترانیدند؛ نوحه‌های حماسی سر دادند، یزله کردند و پای کوبیدند! جوانان غیور عراق، تابوت او را در میان حلقه‌های ماتم خود کشیدند، بر سر زدند و او را از سراسیمی باب‌القبله به حرم مولا وارد کردند! زنان ایل بی‌اسد را بگوا که دگریار خاک عزا بر سر ریختند و به جای دختران، همسر و بانوان قبیله‌اش، در سوگ این یوسف به خون خفته، به صورت‌ها خنج کشیدند. زنان عراق همچون مادران جوان مرده‌ناله‌ها سر دادند؛ برای ایسن امانت‌گران‌بها و پیکر چاک‌چاک روضه‌ها سردادند و امانت‌داری کردند؛ می‌گویم امانت چرا که این عزیز! پاره تن ما و تمام هستی یک ملت داغدار است که برای شبی کوتاه به زنان و مردان عراق سپرده شد تا به یاد تمام سال‌های که نامش را خواندند و حضورش را درک نکردند ناله سر دهند. عراقی‌های عزیز مه‌رتان پرتاوم، سفر اربعین‌تان پررونق که برای مهمانی که فرستادیم مهمان‌نوازی کردید؛ مهمانی که اولین زائر اربعین امسال بود رهبری که شب‌های بسیاری از عمر بابرکتش را در فراق کربلا گریست و اکنون تن

پیش‌بینی کشتی‌ها از آبره باریکی را تضمین کنند که ایران بر بخش بزرگی از جغرافیای پیرامون آن تسلط دارد. تهران برای تحمیل هزینه به آمریکا نیازی به شکست دادن ارتش این کشور در یک جنگ متعارف ندارد؛ کافی است توان موشکی، پهبادی و دریایی و سطحی از عدم قطعیت را حفظ کند که کشتیرانی تجاری را خطرناک و پرهزینه نگه دارد. در شرایط عادی، حدود یک‌پنجم نفت مصرفی جهان از تنگه هرمز عبور می‌کند. اگرچه نفت برنت هفته را در محدوده ۷۶ دلار به پایان رساند، رقمی که بسیار پایین‌تر از اوج قیمت‌ها در جریان جنگ است. چرخه‌های مکرر حمله و تلافی نشان داده‌اند که این درگیری تا چه اندازه می‌تواند به‌سرعت بر انتظارات بازار تأثیر بگذارد. هزینه بیمه، تصمیم شرکت‌های کشتیرانی و نگرانی از تشدید بیشتر جنگ ممکن است به اندازه خسارت فیزیکی وارنده به کشتی‌ها اهمیت پیدا

بوشهر و دیگر مناطق راهبردی مشرف به خلیج فارس و دریای عمان گزارش شده است. به نظر می‌رسد هدف آمریکا تنها مقابله اعمال حاکمیت ایران بر تنگه نیست، بلکه تضعیف نظام‌مند توانایی‌ها برای نظارت بر کشتیرانی و در مرحله بعد کاهش توان دفاعی ایران است. ایران در مقابل با گسترش میدان نبرد پاسخ تجاوزات آمریکا را داده است، سپاه و ارتش از حمله به دارایی‌های نظامی آمریکا در سراسر منطقه خبر داده و هم‌زمان کشورهای حاشیه خلیج فارس، از جمله امارات متحده عربی، کویت و قطر، از رهگیری موشک‌ها و پهپادها خبر داده‌اند. تهران همچنین مدعی برخورد با کشتی‌های دیگری در تنگه شده است. به این ترتیب، آنچه در ابتدا اختلافی بر سر نحوه عبور و مرور دریایی بود، به یک رویارویی منطقه‌ای، اما زیر حد آستانه تبدیل شده که در آن کشتی‌های تجاری و پایگاه‌های نظامی بیش

از پیش در معرض خطر قرار گرفته‌اند. در قلب این رویارویی، اختلاف اساسی بر سر معنای باز بودن تنگه هرمز وجود دارد. واشنگتن اصرار دارد کشتی‌های تجاری باید بتوانند آزادانه از آبره‌های بین‌المللی شناخته‌شده عبور کنند. **تهران در مقابل، معتقد است کشتی‌ها باید از مسیرهایی عبور کنند که ایران تعیین می‌کند، به‌ویژه مسیرهایی که از آب‌های سرزمینی ایران می‌گذرند. پیش از جنگ، بنا بر گزارش‌ها روزانه بیش از ۱۳۰ کشتی از تنگه عبور می‌کردند، اما داده‌های اخیر نشان می‌دهد این رقم در یکی از روزها به تنها ۲۲ کشتی کاهش یافته است و با تشدید تنش‌ها نیز ایران رسماً از مسدود سازی دوباره تنگه خبر داده است. گرچه ایالات متحده از برتری گسترده نظامی متعارف برخوردار است و می‌تواند به حمله خود به زیرساخت‌های نظامی ایران ادامه دهد؛ اما با این حال، حملات هوایی به‌تنهایی لزوماً نمی‌توانند عبور امن و قابل**

پایانی بر زندگی یک شرور

تحلیل تأثیر مرگ لیندسی گراهام بر معادلات ضدایرانی واشنگتن

بکشاند. در جریان فتنه دئی ماه نیز گراهام به یکی از صریح‌ترین حامیان مداخله و فتنه تبدیل شده بود. او در دیدار با رضا پهلوی شیداد سخنرانی در گردهمایی‌های ضدایرانی، آشکارا از براندازی حمایت کرده بود. این مواضع تا حدی بود که برخی رسانه‌های وابسته به شبکه‌های معاند، لقب «عمو لیندسی» را به او داده بودند و عمویی که البته آرزوی نابودی ایرانیان را داشت.

♦ مرگ مشکوک اما خوشحال‌کننده

مرگ ناگهانی گراهام در ۷۱ سالگی، بلافاصله پس از بازگشت از سفر به اوکراین و تنها ساعاتی پس از یک سخنرانی عمومی، با گمانه‌زنی‌های فراوانی هم همراه شد. اگرچه دفتر پزشکی قانونی آمریکا علت اولیه را «پارگی آنورت ناشی از تصلب شراین» اعلام کرد، اما برخی جریان‌های راست افراطی در آمریکا مانند لورا لومر، بلافاصله خواستار بررسی نقش احتمالی ایران یا روسیه شدند. خود همین درخواست هم البته ناشی از آن است که می‌دانند که رفتار و مواضعی که لیندسی داشت تا چه حد افراطی، غیر قابل قبول و مسخره بوده و به نوعی خود لیندسی و همراهان و دوستان لیندسی کاملاً قبول دارند که باید از طرف ایران یا روسیه حذف

با توجه به اینکه کمتر از ۱۱۲ روز به انتخابات نوامبر

بشوند. این حقیقت پذیرفته شده از سوی طرفداران لیندسی همچنین نشان می‌دهد که توانمندی‌ها و قدرت اطلاعاتی و امنیتی طرف‌های دیگر را هم به خوبی شناخته‌اند که اگر بخواهند می‌توانند عناصر نامطلوب و شرور را حذف کنند. اما به هر حال آنچه در این مرگ مشکوک قطعی است، آن است که این مرگ به دست خداوند انجام شده است و تا زمانی که جبهه مخالفان آمریکایی خداوند را دارند، می‌توان از این دست اتفاقات را بساز هم دید و بارها منتظر شنیدن اخبار مرگ و به هلاکت رسیدن این افراد بود. شاید بهتر باشد که لومر و افراطی‌های آمریکایی به جای آنکه به دنبال بهانه داشتن یا به دنبال مقصری برای هلاکت لیندسی بگردند، بروند و با خود مرور کنند که چه شرارت‌ها و کینه‌توزی‌ها و خصومت‌هایی را همین لیندسی انجام داده‌بود که امروز با این خفت و خواری د دنیا رفته است.

♦ آینده کرسی سناتوری گراهام

بر اساس قانون ایالت کارولینای جنوبی، در صورت فوت سناتور، فرماندار موظف است فردی را به‌طور موقت تا زمان برگزاری انتخابات ویژه منصوب کند. با توجه به اینکه کمتر از ۱۱۲ روز به انتخابات نوامبر

بشوند. این حقیقت پذیرفته شده از سوی طرفداران لیندسی همچنین نشان می‌دهد که توانمندی‌ها و قدرت

کند. دیپلماسی نیز هنوز به‌طور کامل از میان نرفته است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در عمان درباره ساز-وکارهای عبور امن کشتی‌ها گفت‌وگو کرده و پاکستان، قطر و عمان نیز برای حفظ مسیر مذاکرات تلاش کرده‌اند. اما اکنون دیپلماسی زیر آتش جریان دارد. هر دو طرف ظاهراً تصور می‌کنند افزایش فشار نظامی می‌تواند موقعیت آنها را در مذاکرات تقویت کند، حتی اگر همین فشار هم‌زمان امکان دستیابی به توافق را دشوارتر کند. بنابر این در حال حاضر، هیچ‌یک از دو طرف قادر نیستند نظم مورد نظر خود را بر تنگه تحمیل کنند. دقیقاً همین وضعیت است که شرایط را تا این اندازه خطرناک می‌کند، در چنین وضعیتی اگر تلاش‌های دیپلماتیک به هر دلیلی راه به جایی نبرند برای تثبیت یک رژیم کنترلی جدید بر تنگه ایالات متحده و ایران به ناچار باید به دور جدیدی از جنگ گسترده تن دهند.

پایانی بر زندگی یک شرور

تحلیل تأثیر مرگ لیندسی گراهام بر معادلات ضدایرانی واشنگتن

۲۰۲۶ باقی مانده، انتصاب موقت تاسوم ژاونه ۲۰۲۷ (پس از انتخابات) اعتبار خواهد داشت. اکنون خواهر گراهام جایگزین او شده است.

♦ گراهام در گورستان تاریخ

لیندسی گراهام مُرد، اما جمهوری اسلامی زنده و پویاست. مرگ این سناتور شرور و جنگ‌طلب، نه تنها ضربه‌ای به جریان تندروی حامی اسرائیل در واشنگتن است، بلکه درس عبرتی برای تمامی دشمنانی است که فروپاشی نظام اسلامی را در رؤیاهای خود می‌پروراند. حلقه مشاوره ترامپ اکنون یک صدا را از دست داده است؛ صدایی که هر روز بر طبل جنگ با ایران می‌کوبید. آینده نشان خواهد داد که این خلأ چگونه بر توازن قدرت در کاخ سفید تأثیر خواهد گذاشت، اما آنچه مسلم است، در این سوی میدان ملتی بزرگ و مبارز و مقاوم مانند ایران همواره مانا و برقرار است و با مستکبران و کینه‌توزان زمان تا پای جان و تا آخرین خون خود مبارزه خواهد کرد.

دیدار با خورشید

روایتی از رستاخیز بدرقه در شهرهای مقدس جهان اسلام

بی‌جانش را به آستانه این حرم کشاندید.

♦ حضرت ماه به خورشید رسید

سرانجام کاروان به ایستگاه آخر رسید؛ طوس آغوش گشود و لحظه وداع ابدی فرا رسید. پیکر کفن‌پوش و رنج‌کشیده از سفرهای بی‌انتهای جهاد را از تابوت برداشته و به آغوش خاک ارض طوس سپردند. در رواق دارالذکر، گویی کوهی از استواری را در دل زمین پنهان کردند؛ پیکر او را آهسته به بستر خاک گذاشتند که جراحت‌های کهنه بر تن داشت و خسته از راه طولانی کربلا بود. او را به خاک سپردند و فریاد زدند که تمام میراث مادی او پس از سی و شش سال رهبری بر این پهنه وسیع، نه گنجینه‌های طلا بود و نه کاخ‌های افسانه‌ای؛ بلکه تنها یک متر از خاک پاک این میهن بود که پیکرش را در خود جای داد. او پس از دهه‌ها پاسداری از مرزهای این دیار، لایق‌ترین فرد برای داشتن تکه‌ای کوچک از خاک وطن بود؛ آن شب بر گلدسته‌های بلند و رفیع حرم رضوی نقاره ماتم نواختند و در بلندگوها فریاد زدند که «رئیس خادمان بارگاه طوس به خاک سپرده شد».

روشنفکران حاشیه‌نشین

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۴



خارج از کشور با تجلیل می‌آید که چند کلمه‌ای در فلان مجله ضدانقلاب داخلی نوشته (در داخل هم مجله ضدانقلاب کم نداریم که چاپ می‌کنند) یا اگر شعری گفته با آب و تاب شعرشان را می‌نویسد.

یکی از همین آقایان شعرا که از دوستان مشهودی من بود و در طول مبارزات تقریباً با ما ارتباط داشت عیال او آمده بود به من شکایت می‌کرد که او رفته تهران و با اینها مأنوس شده. غالباً اینطور بودند که از حرکات مردمی و این چیزی که در بین مردم وجود داشت اینها خبری نداشتند و اصلاً جرئت ورود در حرکت‌های مردمی را نداشتند. پس وقتی نوبت اقدام می‌رسد، به‌طور غالب روشنفکر غیبت می‌زند، مگر موارد استثنایی و آنها که واقعاً یک احساس ایمانی داشتند که عمده‌تاً مستلزم ایمان به غیب است و ایمان به غیب در اینجاها کمک می‌کند،

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

در دوران مبارزه و پیش از پیروزی خاмене‌ای شخصیتی محبوب و ذی نفوذ داشت که دایره تعاملاتش به محافل دینی و مساجد و حوزه‌های علمیه محدود نمی‌شد. شخصیت موسع ایشان و علم و دانش گسترده و عمیق‌شان موجب آن بود تا با اقبال گوناگونی از جامعه در ارتباط باشد که در این میان روشنفکران و محافل روشنفکری نیز قرار می‌گیرد. آیت‌الله‌العظمی خاмене‌ای در آن مقطع با بسیاری از روشنفکران و کانون‌های روشنفکری مشهور در عرصه مبارزه نیز ارتباط و همکاری داشت. هر چند فضای آن روز چنین محافلی فضای آلوده‌ای بود که با فرهنگ اسلامی- ایرانی چندان سازگار نبود و رنگ و بویی از مبارزه نیز در آن مشاهده نمی‌شد. اغلب مدعیان مشغول حواشی و مسائلی بودند که با نیازهای زمانه جامعه نسبتی نداشت و حواشی انحراف و معضلات اخلاقی بر آن سایه انداخته بود. آقای خاмене‌ای اوضاع محافل روشنفکری آن را چنین شرح می‌دهند:

«روشنفکر جماعت در کشور ما به شدت ترسو بود و از اسم پلیس می‌ترسید، اهل اقدام و اهل حرکت و کار نبود و از این گذشته آلوده به تمام گرفتاری‌ها بود، اهل مشروب، اهل مواد و از این قبیل چیزها بود، غالباً شب تا صبح را می‌نشینند و گپ می‌زنند، صبح تا نزدیک ظهر می‌خوانند بعد هم عصر که می‌شود در خیابان شاهرضای آن روز یا جاهای دیگر قدم بزنند و سرشب به فلان قهوه‌خانه سری بزنند، و به فلان بار بروند دمی به خمره بزنند و بعد بقیه شب را باز برگردند به همان گپ زدن، کارشان این بود! یک سیکل بسیار، بسیار غلط زشت! این کار عمده روشنفکرها و همین نام‌نشان‌دارهایی است که شما می‌شنوید، یعنی همین‌هایی که حالا اسم‌شان در روزنامه‌های ضدانقلاب

دهلیز

چه کسانی، جانشین چه کسانی شده‌اند؟!

باز خوانی تاریخ از افق شهید آیت الله العظمی خاмене‌ای

یکی از دغدغه‌های رهبری، در طول سالیان اخیر درک درست از وضعیت جمهوری اسلامی در فرایند تاریخ ایران بوده است. در روزگاری که دهه‌های متمادی سرنوشت ایران زمین در دست پادشاهانی بود که از حداقل صلاحیت و شایستگی برخوردار نبودند. حکومت‌هایی که به دست کارگزارانی فاسد اداره می‌شد و منافع ملی کشور را در خدمت منافع شخصی یا مصالح بیگانگان به خدمت می‌گرفت. همین بساط به برکت انقلاب اسلامی برچیده شد و مسیر مردمسالاری دینی ریل‌گذاری شد؛ هر چند این مسیر نیز تا رسیدن به نظام مطلوب فاصله دارد و برای تحقق آن باید تلاش کرد.

در این میان، مطالعه تاریخ به خوبی می‌تواند این تحول بنیادین را برای نسل جوان ترسیم کرده و او را به اصلاح و رسیدن به قله‌های پیشرفت و آزادی و مردم‌سالاری امیدوار کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خاмене‌ای در سال ۱۳۷۳ به این مهم چنین اشاره می‌کنند: «شما به دولت‌هایی که از اوّل تاریخ تا به امروز در دنیا و در ایران خودمان روی کار آمده‌اند نگاه کنید! آیا دولتی مثل این دولت و دولتمردانی مثل این دولتمردان که پاک، سالم، وطن‌دوست،

اما آنهایی که ایمانی ندارند غیب‌شان می‌زند و همانطور که در جریان انقلاب دیده‌اید اقدام و خطر‌پذیری را کردند خود این ورود در صحنه اقدام، یک روشن بینی ویژه‌ای به انسان در صحنه می‌دهد و آن آدمی که در صحنه هست چیز‌هایی را می‌بیند که آدم بیرون صحنه از دیدن آنها عاجز است، یعنی همین جوان معمولی که یا کاسب، یا دانشجو یا کارگر است و جزء آن قشر مخصوص روشنفکر نیست، وقتی وارد میدان اقدام و حرکت‌های کذایی کتک خوردن‌ها و کتک‌زدن‌ها می‌شود و روی صحنه می‌آید، خود این یک روشن‌بینی‌هایی پیدا می‌کند که این روش‌بینی با آن روش‌بینی روشنفکرانه تفاوت عمده دارد، یعنی این روشن‌بینی، گستاخانه و همراه با تهاجم است، همین چیزی که در مردم ما دیده شده.»

البته این توصیف از آنچه در زندگی روشنفکران

حافظه

غارت هندوراس

مروری بر حضور استعمارگران در سرزمین سرخپوستان

در دوران پیش از ورود «کریستف کلمب»، سرزمینی که امروز هندوراس نام دارد، بخشی از قلمرو فرهنگی سرخپوستان آمریکای میانه به‌شمار می‌رفت. در غرب این منطقه، تمدن مایا برای سده‌ها شکوفا بود و شهر کوپان، مرکز فرمانروایی این تمدن در هندوراس به‌شمار می‌آمد.

در سال ۱۵۲۴، اسپانیایی‌ها به رهبری «هرناندو کورتز» از مکزیک وارد هندوراس شدند. کورتز، کریستوبال اولیدرا مأمور کرد تا بومیان را مطیع کند. اسپانیایی‌ها طی دو دهه، بخش‌های گسترده‌ای از هندوراس را تصرف کردند، اما بومیان به‌ویژه قوم لمپیرا مقاومتی سرسخت نشان دادند و برخی مناطق شمالی، مانند پادشاهی میسکیتو هیچ‌گاه به دست آنان نیفتاد.

پس از تسخیر، هندوراس به منزله بخشی از پادشاهی گواتمالا در امپراتوری اسپانیا جای گرفت و نزدیک به سیصد سال زیر فرمان اسپانیایی‌ها بود. این کشور در سال ۱۸۲۱ از سلطه اسپانیا‌رهایی یافت، اما تا سال ۱۸۲۳ بخشی از مکزیک و تا سال ۱۸۳۹ عضوی از فدراسیون آمریکای مرکزی به‌شمار می‌رفت. کشف طلا در هندوراس، برای سال‌ها این منطقه را به کانون دسیسه و دگیری تبدیل کرد. در سال ۱۵۳۷، آلوئسود کاسرس شهر

۳

تاریخ

شماره ۱۲۴۵ | دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵

صداقت

تقویم انقلاب

مقاومت در برابر اصلاحات آمریکایی

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران-۱۲

سیدمهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



روند تحولات در تقویم تاریخی، وضعیت جدیدی را رقم زد. در مباحث قبل یادآور شدیم که آمریکایی‌ها در اجرای برنامه سلطه‌گرانه‌شان دچار مشکلاتی، مانند بی‌ثباتی و ناکارآمدی دولت‌ها و ریزش نخست‌وزیران شده بودند. در پی این اقدامات اعتراضات از جوانب گوناگون علنا خودش را نشان داد تا جایی که نفوذ و تثبیت حاکمیت آمریکایی‌ها را دچار چالش جدی کرد و بار دیگر رسوایی و اف‌تضاح به بار آورد. چند نمونه از اعتراضات به شرح زیر است:

۱- جریان اسلام‌گرا از سال ۱۳۲۴ در تشکل جدیدی به نام «جمعیت فداییان اسلام» ظهور کرده بود که در واقع اعتراض به بی‌عدالتی‌ها و نفوذ انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در ایران بود. شعار آنها فریاد «الله اکبر»، «اسلام برتر از همه چیز است»، و «هیچ چیز برتر از اسلام نیست» و... بود. گفتنی است، در سال ۱۳۳۴ چهار نفر از اعضای این جنبش اعدام شدند و به شهادت رسیدند.

۲-البته نفوذ و قدرت اسلام در برابر بیگانگان همواره خودش را نشان داده است و علمای اسلام به‌خصوص مرجعت شیعه در طول تاریخ همواره از پایگاه اجتماعی قوی برخوردار بوده و هستند. نمونه بارز آن در سال ۱۳۴۰ به خوبی خودش را نشان داد. در قضیه فوت و رحلت آیت‌الله العظمی حاج آقا سیدحسین بروجردی در فروردین سال ۱۳۴۰ غم و ماتم بر سراسر کشور سایه انداخت؛ به طوری که چهل روز عزای عمومی در هر شهر و روستا برگزار شد.

۳- در جریان غیر قانونی انجمن‌های ایالتی و ولایتی که دولت اسدالله اعلم پیگیر شدند و لغو گردید، عامل اصلی و مؤثر لغوآن قدرت نفوذ و اعتراض علما و مراجع تقلید وقت بود. چهره بارز این علما امام راحل و آیات عظام شریعتمداری، گلپایگانی و مرعشی نجفی بودند. در این زمان، امام راحل (در آن ایام به «حاج آقا روح‌الله» معروف بود) با جدیت و مقاومت همه جانبه اعتراضات را دنبال کردند و سخنرانی و پیام‌های قاطعانه ایشان که سند آن موجود است چنان تو دهنی‌ای به دولت علم زد که مجبور شد رسماً از طریق رسانه‌ها لغو لایحه را اعلام کند.

۴- محمدرضا شاه که سرسپردگی آمریکا را پذیرفته بود، فاقد پایگاه اجتماعی و قدرت نفوذ بود. برای نمونه، او در اجرای سیاست‌هایی، نظیر اصلاحات ارضی به زور و پول متوسل شد تا جمعی را به حمایت خود درآورد و با آنها صحبت کند، یعنی هیچ استقبال اجتماعی در هیچ زمان همراه او دیده نشد.

۵- هنگامی که وی با عدم استقبال در قم روبه‌رو شد، اقدام تلافی جویانه‌ای را انجام داد و طلاب حاضر در نشست سوگواری امام صادق(ع) در مدرسه فیضیه را مورد تهاجم ناجوانمردانه‌ای قرار داد. در این هنگام این جنایت بی‌پاسخ نماند و امام راحل پیگیر شدند و دست به افشاگری علیه آمریکا و محمدرضا شاه‌زدند که به قضیه قیام خونین ۱۵ خرداد منجر شد.

قبلیه عشق

عاشق وطن



محمد مهدی از لحاظ دینی به قید و بندها پایبند بود. همین تقید او به امور مذهبی نکته مثبتی در شخصیتش بود که باعث شد خانواده‌ام او را تأیید کنند؛ اما نمی‌دانستیم که عمر این همراهی کوتاه است. تازه پسرمان به دنیا آمده بود. محمدنویان سن کمی دارد و در این سن، سایه پدر از سرش رفته است. زود پدرش را از دست داد، اما این خواست خدا بود و ما هم تسلیم آن هستیم. خوشی ما کوتاه بود، چراکه همسرم خودش را موظف به حفظ نظام و امنیت کشور می‌دانست و از هیچ اقدامی در این زمینه کوتاهی نمی‌کرد. این راه (امنیت کشور و مبارزه با متجاوزان) یک راه مقدس است و خوشحالم که همسرم در این مسیر رفته است.

الان هم مطمئن هستم اوزنده است و از جایی بهتر مراقب ماست. با آنکه شهید شده، اما همواره وجود او را در زندگی حس می‌کنم و هر جا که به مشکلی برمی‌خورم، روحش گره‌گشا می‌شود. امیدوارم بتوانم محمدنویان را آنطور که پدر دوست داشت، تربیت کنم. پدرش عاشق کشور و مردم و رهبر شهید بود.

همسرم یک جوان مذهبی و بسیار عاشق وطن بود. او مردم را دوست داشت و برای امنیت همین مردم نیز خیلی تلاش کرد. خدا را شکر می‌کنم که عاقبت در مسیری که خودش انتخاب کرده و به آن علاقه داشت، جان داد و خودش را فدای این راه مقدس کرد.

ان‌شاءالله اگر عمری باشد، من به محمدنویان یاد می‌دهم پدرش یک قهرمان بود؛ یک شهید در میان خیل شهدایی که جان‌شان را برای ایران اسلامی فدا کردند. محمد مهدی پدری بود که کمتر از یک سال برای فرزندش پدری کرد. هر چند زود رفت، اما تأثیر بسیار زیادی در زندگی ما داشت و فرزندش نیز باید پیام‌وزد که پدرش چه کسی بود و در چه راه مقدسی شهید شد.

آمریکا و رژیم صهیونیستی دشمنان همیشگی ملت ما بودند و هنوز هم از کینه و دشمنی دست برنداشته‌اند. آنها شقی‌ترین دشمنان اسلام هستند و امیدوارم به زودی شاهد نابودی رژیم صهیونیستی باشیم.

به نقل از همسر شهید محمد مهدی فتحی
شهید محمد مهدی فتحی، که از کادر خدوم فراجا بود، در ۲۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۱ دیده به جهان گشود و در نهایت، در شامگاه ۱۰ اسفندماه سال ۱۴۰۴، در حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی و آمریکا در کرج، به فیض شهادت نائل آمد.

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص)

قاتلان قائد شهید را قصاص خواهیم کرد



سردار علی عبداللهی در یادداشتی درباره قصاص خون رهبر شهید نوشت: «فرزندان برومند و دلاور ملت در نیروهای مسلح، با توکل و یاری خداوند متعال و همراهی ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه، با اقدامی انقلابی، خواب را از چشمان دشمن خواهند ربود و عاملان این جنایات تروریستی را دیر یا زود قصاص خواهند کرد.»

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) اظهار داشت: «دنیا و سرمداران کفر و استکبار جهانی، به‌ویژه آمریکای جنایتکار و رژیم خبیث صهیونیستی، مبادا حزن جاری در چشمان ملت و خروش برخاسته از این اندوه را به حساب ضعف بگذارند.»

وی افزود: «این سوگ و خشم مقدس، در مسیر خون‌خواهی قاتلان قائد شهید و رهبر مسلمانان و آزادگان جهان و شهدای مظلوم جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم، استمرار خواهد یافت و آنان را به سزای اعمال‌شان خواهد رساند.»

فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء(ص) همچنین ابراز داشت: «اینجانب ضمن ادای احترام به مقام شامخ آن قائد شهید عظیم‌الشان، بر خود فرض می‌دانم مراتب سپاس و قدردانی عمیق خویش را از ملت بی‌نظیر، شرافتمند و بزرگ ایران و مردم سلحشور، مسئولان و نیروهای مسلح کشور برادر و دوست، عراق، رزمندگان اسلام و تمامی مسلمانان و آزادگان جهان که با حضور بی‌نظیر و معنادار خود در آیین‌های وداع و بدرقه سید شهیدان انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت، حماسه‌ای بزرگ آفریدند، ابراز کنم.»

گروه سپاه

صبح صادق

بر کسی پوشیده نیست که قدرت موشکی امروز ایران با هدایت رهبر شهید رقم خورده است؛ آن زمانی که کشورهای خارجی پیشنهاد موشک‌های ارزان و وسوسه‌انگیز را روی میز می‌نهادند تا ایران را پای میز معامله بکشانند، این رهبر شهید بودند که با یک «نه» قاطع در برابر این وسوسه ایستادند و دستور «خودتان بسازید» را صادر کردند تا با این اقدام دو فرهنگ «خودباوری» و «عدم وابستگی» را هدف‌گذاری کنند؛ دو نشانه‌ای که امروز به خوبی شاهد ثمره آن هستیم. داستان از این قرار است که سال‌ها پس از

فرمانده مرکز بهداری رزمی غرب نیروی زمینی سپاه

۶ هزار خدمت درمانی رایگان ارائه شد



«سردار علی صفربخشی» از پایان مأموریت موفقیت‌آمیز و خدمت‌رسانی بی‌وقفه بیمارستان تخصصی سیار «امام حسین(ع)» در مراسم وداع و تشییع پیکر مطهر رهبر شهید در مصلا‌ی امام خمینی(ره) خبر داد.

فرمانده مرکز بهداری رزمی غرب نیروی زمینی سپاه با اعلام اتمام عملیات درمانی این مرکز، اظهار داشت: «بیمارستان سیار امام حسین(ع) که در ضلع شرقی مصلا‌ی تهران مستقر بود، پس از سه شبانه‌روز خدمت جهادی، مداوم و کاملاً رایگان، توانست بیش از ۶ هزار خدمت درمانی به شرکت‌کنندگان در این مراسم باشکوه و معنوی ارائه دهد.»

وی در تشریح زنجیره امدادی طی شده در این مراسم گفت: «ما با استقرار ۲۵ پست امداد در نقاط گوناگون مصلا‌ی تهران، یک چرخه انتقال هوشمند و سریع ایجاد کرده بودیم؛ به طوری که بیماران از پست‌های امدادی به بیمارستان سیار و در صورت نیاز، از طریق آمبولانس‌های مجهز یا بالگرد به مراکز درمانی تخصصی سطح شهر منتقل می‌شدند تا هیچ خللی در روند درمان فوریت‌های پزشکی ایجاد نشود.»

سردار صفربخشی در پایان با تجلیل از کادر متخصص و پشتیبانی که تا آخرین لحظات مراسم در کنار عزاداران حضور داشتند، تأکید کرد: «خدمت‌رسانی رایگان و شبانه‌روزی این بیمارستان، بخشی از وظیفه جهادی نیروهای بهداری رزمی سپاه در کنار ملت و در کنار رهبر بزرگوار انقلاب بود.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه

دشمن را از مرزهای ایران دور نگه داشتیم



«سردار محمد کرمی» با اشاره به همراهی مردم در جریان جنگ اخیر، گفت: «با وجود بمباران پادگان‌ها و مراکز نظامی در شمال‌غرب و جنوب‌شرق کشور، مردم با همه وجود در کنار نیروهای مسلح ایستادند. آنها خانه‌ها، امکانات و هر چه در اختیار داشتند، برای کمک به رزمندگان در اختیار نیروهای مسلح قرار دادند.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه، در گفت‌وگویی با اشاره به تهدیدهای مکرر دشمن برای نفوذ زمینی به کشور، اظهار داشت: «دشمن در این مناطق سرمایه‌گذاری گسترده‌ای انجام داد، هزینه‌های زیادی پرداخت کرد و تجهیزات و امکانات فراوانی را در اختیار گروه‌های ضدانقلاب قرار داد. آنها تلاش کردند با ایجاد انسجام میان این گروه‌ها و حتی تغییر نام برخی از آنها، تشکیلات جدیدی ایجاد کنند. همچنین تجهیزات تازه، خودروهای متعدد و امکانات گسترده‌ای در اختیار این گروه‌ها قرار گرفت.»

فرمانده نیروی زمینی سپاه ادامه داد: «با وجود این طراحی‌ها، هوشیاری ملت ایران، مردم غیور مناطق شمال‌غرب و جنوب‌شرق و حضور مقتدرانه نیروهای مسلح، سپاه، بسیج و سایر دستگاه‌های مسئول، همه این توطئه‌ها را خنثی کرد. دشمن برنامه‌ریزی دقیقی انجام داده بود و قرار بود همزمان با عملیات آمریکا، این گروه‌ها نیز اقدامات خود را آغاز کنند، اما نیروهای مسلح با اقدامات پیش‌دستانه، پیش از آنکه آنها دست به اقدامی بزنند، نقشه‌های‌شان را ناکام گذاشتند.»

تکنولوژی روز؛ اما در جلسه‌ای راهبردی که این موضوع با حضور یا از طریق کانال‌های تصمیم‌گیری دفاعی به محضر رهبر شهید انقلاب رسید، ایشان با بصیرتی که به مدیران تراز اول انقلاب مختص است، این دام استراتژیک را شناسایی کردند.

رهبر شهید در آن زمان در پاسخ به این پیشنهاد، با قاطعیت اجازه واردات را سلب کردند و جمله‌ای را فرمودند که امروز به‌عنوان «سند مکتوم» صنعت موشکی کشور شناخته می‌شود؛ اگر از آنها بخرید، تا ابد باید برای قطعات یدکی، نگهداری، تعمیرات و به‌روزرسانی دست‌تان جلوی آنها دراز باشد. آنها امروز به شما می‌فروشند، اما فردا که در اوج نیاز قرار گرفتید، شیر فلکه را می‌بندند. ما

پایان جنگ تحمیلی، در برهه‌ای حساس که کشور درگیر بازسازی بوده و تهدیدهای منطقه‌ای نیز رو به افزایش بود، بحث‌هایی در محافل کارشناسی و برخی از مسئولان اجرایی و دفاعی شکل گرفت. پیشنهاد این بود که چرا باید هزینه‌های گزاف و زمان‌بر تحقیق و توسعه را متحمل شویم؟ کشورهای شرقی و بلوک شرق سابق، حاضرند با قیمتی بسیار پایین‌تر از هزینه تولید داخلی، زرادخانه‌ای از موشک‌های آماده و عملیاتی را در اختیار ایران قرار دهند؛ بیا باید نیاز فوری کشور را با خرید رفع کنیم.

این پیشنهاد روی کاغذ منطقی و وسوسه‌انگیز به نظر می‌رسید؛ رفع سریع نیاز، هزینه مالی کمتر در کوتاه‌مدت و دسترسی آبی به

خبر

تولید سه برابری

«سردار سیدمجید ابن‌الرضا» سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اشاره به دستاوردهای صنعت دفاعی کشور در جریان جنگ اخیر، نوشت: «در اوج جنگ، نه‌تنها تولیدات دفاعی متوقف نشد، بلکه ظرفیت تولید پهپاد سه برابر افزایش یافت.» وی با اشاره به نشست مشترک با کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نوشت: «در نشست مشترک با کمیسیون امنیت ملی مجلس تأکید کردم: جنگ اخیر نشان داد که نخبگان ایرانی و سرمایه‌گذاری بر فناوری‌های نوین، مهم‌ترین مؤلفه اقتدار دفاعی کشور است.» وی افزود: «در اوج جنگ، نه‌تنها تولیدات دفاعی متوقف نشد، بلکه ظرفیت تولید پهپاد سه برابر افزایش یافت.»

تشکر عربی

رزمندگان موشکی به زبان عربی از مردم عراق بابت تشییع تاریخی امام شهید تشکر کردند. گفتنی است پیش از این فرماندهی کل سپاه طی یادداشتی نوشته بود: «مراتب سپاس و قدردانی عمیق خود را از مقامات، مسئولان و ملت برادر، مؤمن، مجاهد و وفادار عراق که با حضوری گسترده، پرشور، حماسی و تاریخی در آیین‌های تشییع قائد شهید امت در شهرهای نجف اشرف و کربلای معلی، بار دیگر پیوند ناگسستنی دو ملت مسلمان ایران و عراق و وحدت جبهه مقاومت را در برابر چشم جهانیان به تصویر کشیدند، ابراز می‌دارم.»

قوانین بازنشستگی باید اصلاح شوند

ساحل عباسی

خبرنگار

معاون اسبق وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی گفت: «برای برون‌رفت از وضعیت کنونی صندوق‌های بازنشستگی باید فکری کرد و آن هم مقدور نمی‌شود جز با تغییر مدیریت صندوق‌ها و استفاده از مدیرانی که سال‌ها در این مجموعه‌ها کار کرده‌اند و به هیچ حزب و جریان سیاسی وابستگی ندارند.»

«علی اکبر لبافی» کارشناس و تحلیلگر بازار کار و معاون اسبق وزارت کار در گفت‌وگو با «صبح صادق» درخصوص نگرانی عموم مردم، به ویژه بیمه‌پردازان درباره مطالبی که حول محور ورشکستگی صندوق‌های بیمه‌ای بیان می‌شود، به دلایل تأثیرگذار در افول صندوق‌های بیمه‌ای اشاره کرد و درباره جزئیات روندی که منجر به وضعیت کنونی صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای کشور شده است، گفت: «بی‌شک عوامل متعددی در افزایش مشکلات صندوق‌های بیمه‌ای کشور اثرگذار بوده است که از آن جمله می‌توان به مشکلات و معضلات سازمان تأمین اجتماعی و این صندوق بازنشستگی و بیمه‌ای کشور اشاره کرد که طی سال‌های گذشته درگیر چالش‌های مختلفی بوده است، اما متأسفانه مدیریتی برای بهبود وضعیت کنونی و چشم‌اندازهای روشن آتی بر آن مستقر نشده است.»

وی در این باره خاطر نشان کرد: «طی سال‌های گذشته بنا به برخی دلایل که بخش قابل توجهی از آن در انتخاب مدیران صندوق‌های بازنشستگی مثل تأمین اجتماعی ریشه دارد، این صندوق‌ها درگیر چالش‌های مختلفی بوده‌اند؛ مشکلاتی که نه تنها کاهش نیافته؛ بلکه به واسطه برخی بی‌تدبیری‌ها و ضعف مدیریت‌ها طی سال‌های اخیر روند افزایشی نگران‌کننده‌ای نیز به خود گرفته است.»

وی در این باره افزود: «برای نمونه سازمان تأمین اجتماعی باید تحت مدیریت‌های تخصصی قرار بگیرد تا میانگین ورودی و خروجی و دخل و خرج‌های این سازمان به درستی مدیریت و کنترل شود؛ اما شواهد بسیاری در طول سال‌های گذشته و اکنون نشان داده‌اند در این حوزه کنترل و مدیریت قابل‌ اتکایی وجود نداشته و ندارد.»



علی اکبر لبافی معتقد است: «برای نمونه وقتی بیمه‌پردازی دو سال آخر قبل از بازنشستگی مبنای پرداخت حقوق بازنشستگی می‌شود، شاهد از دست رفتن منابع و نفوذ برخی در صندوق‌های بازنشستگی هستیم، انحرافی که صندوق‌ها را از کارکرد اصلی خود خارج کرده و با ناترازی مالی مواجه کرده است.»

این کارشناس و تحلیلگر بازار کار معتقد است: «برای نمونه، در صندوق‌های بازنشستگی کشوری اضافه کاری جزء پرداخت‌های بازنشستگی محسوب نمی‌شود. علاوه بر آن کسانی که ۲۰ تا ۲۵ سال با حداقل مزد بیمه‌پردازی داشته‌اند، امروز با ۸۰ تا ۹۰ درصد سقف بازنشسته می‌شوند، چنین پرداخت‌هایی که کنترل نشده است موجب شده بیمه‌پردازانی که در صندوق‌های دیگر بیمه‌پردازی داشته‌اند، امروز متمایل به بازنشستگی در صندوق تأمین اجتماعی شده‌اند به این دلیل که قانونگذار افزایش حق بیمه دو سال آخر قبل از بازنشستگی را ملاک دریافت حقوق بازنشستگی در صندوق کشوری کرده و خود این قانون چالش‌هایی را ایجاد کرده است.»

وی در این باره افزود: «طبیعی است در چنین شرایطی که فردی ۲۵ سال با کف مزد بیمه پرداخته است، سه سال آخر روی سقف مبنی بر همان پرداختی سه سال آخر دریافت می‌کند که این منابع صندوق را خرد می‌کند، بی‌تردید باید جلسوی این مدیریت و قانون گرفته شود و روندهای معقولی برای پرداخت حق بیمه جایگزین شود تا ورودی‌های درستی وارد صندوق‌های بازنشستگی شود و فشار آن بر بازنشستگان و حقوق بگیران وارد نشود. از

طرفی هم باید مانع تغییرات دفعی و یکباره قانون شد و از اینکه یک قانون را یک شبه و یک باره تغییر داد و موجب سردرگمی بیمه‌پردازان شد جلوگیری کرد.»

معاون اسبق وزیر کار و رفاه اجتماعی یادآور شد: «به نظر می‌رسد روند معقول تعیین حق بازنشستگی باید حداقل ناظر بر پرداختی حق بیمه پنج تا ده سال پیش از بازنشستگی و نه دو سال آخر آن باشد، زیرا دو سال آخر قطعاً بر منابع مالی صندوق‌ها اثر منفی می‌گذارد و این افراد با سقف حقوق بازنشسته می‌شوند؛ در حالی که ورودی چندانی به صندوق‌های بازنشستگی نداریم. دو سال زمان مناسبی نیست که صندوق بخواهد متناسب با آن سال‌ها حقوق بازنشستگی پرداخت کند.»

علی اکبر لبافی معتقد است: «صندوق‌های سرمایه‌گذاری در زمان جنگ دچار مشکلاتی شده‌اند؛ چرا که به هر حال با توجه به سرمایه‌گذاری‌های شستا و تأمین اجتماعی در شرکت‌هایی، مانند شرکت‌های فولادی‌ها، کشتیرانی و پالایشگاهی و...، ورودی و تأمین منابع این صندوق‌ها نیز دچار چالش و محدودیت شده است. بنابر این راه‌اندازی مجدد و رسیدن به نقطه سرمایه‌گذاری برای این صندوق دچار مشکلاتی شده که رفع آن نیز زمان بر است. ضمن اینکه در شرایط عادی نیز عملکرد این صندوق‌ها بسیار پرابهام و ضعیف بوده که نشان‌دهنده لزوم اصلاح مدیریت این مجموعه‌هاست.»

این کارشناس بازار کار با اشاره به اینکه مصارف کارکنان تأمین اجتماعی بسیار بالاست و این موضوع ضمن اینکه ناقض عدالت اجتماعی است، به هدر رفت منابع تأمین اجتماعی منجر

می‌شود، گفت: «آمارها حاکی از آن است که تأمین اجتماعی بیش از ۱۵۰ همت مصارف دارد. به بیان بهتر بخشی از درآمدهای تأمین اجتماعی صرف پرداخت حقوق بازنشستگان می‌شود اما از آن‌سو سازمان تأمین اجتماعی حدود ۷۵ هزار نیروی انسانی دارد که این کارکنان نظام حقوق و دستمزد جداگانه‌ای نسبت به سایر حقوق بگیران و بازنشستگان تحت پوشش تأمین اجتماعی دارند، نظام حقوق و دستمزدی که رقم‌های بزرگ و متفاوتی در مقایسه با سایر حقوق بگیران تأمین اجتماعی دارد.»

وی در این باره گفت: «وقتی نظام حقوق و دستمزد کارکنان سازمان تأمین اجتماعی متفاوت از نظام دستمزد تابعین قانون کار و استخدام کشوری است، بدین معناست که این صندوق بخشی از درآمدها و ورودی‌های خود را صرف تأمین هزینه‌های کارکنان خود می‌کند؛ در حالی که کارکنان تأمین اجتماعی نباید دریافتی متفاوتی با سایر حقوق بگیرانی که تحت قوانین تدوین شده و مصوب شده هستند، حقوق و دستمزد دریافت کنند.»

علی اکبر لبافی معتقد است: «سوء مدیریت در صندوق‌های بیمه‌ای به دلیل انتخاب مدیران غیر متخصص که به دولت‌ها و حزب‌های سیاسی نزدیک به دولت‌ها وابسته هستند، موجب ایجاد چالش‌هایی شده که صندوق‌های بازنشستگی و بیمه‌ای کشور را بیش از پیش در معرض خطر‌ها و آسیب‌های جدی قرار داده است؛ از آن سو موجب نگرانی آحاد مختلف مردم نسبت به آینده صندوق‌ها و پرداختی‌های خود می‌شود؛ چرا که آنها امروز حق بیمه‌ای برای برخورداری از آینده‌ای بهتر در دوران میانسالی و سالمندی پرداخت می‌کنند.»

وی در پایان این گفت‌وگو خاطر نشان کرد: «برای برون رفت از وضعیت کنونی صندوق‌های بازنشستگی باید فکری کرد و آن هم مقدور نمی‌شود جز با تغییر مدیریت صندوق‌ها و استفاده از مدیرانی که سال‌ها در این مجموعه کار کرده‌اند و به هیچ حزب و جریان سیاسی وابستگی ندارند؛ چرا که مدیران متخصص با سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد بخش اصلی درآمد صندوق‌ها را از این محل‌ها تأمین می‌کنند نه اینکه چشم به راه ورودی‌های مالی به صندوق‌های تحت مدیریت خود باشند.»

افزوده

اثر کانتیلون

«اثر کانتیلون» به پدیده‌ای اشاره دارد که نشان می‌دهد ورود پول جدید به اقتصاد، همه افراد را به یک اندازه منتفع نمی‌کند. کسانی که نخستین دریافت‌کنندگان پول تازه هستند؛ مانند بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی بزرگ، پیش از افزایش عمومی قیمت‌ها قدرت خرید بیشتری به دست می‌آورند، اما گروه‌هایی که دیرتر به این پول دسترسی پیدا می‌کنند، با قیمت‌های بالاتر و قدرت خرید کمتر مواجه می‌شوند. به همین دلیل، سیاست‌های پولی انبساطی می‌توانند علاوه بر تحریک اقتصاد، بر توزیع ثروت نیز اثر بگذارند. این مفهوم که در اندیشه‌های اقتصاددان فرانسوی ریچارد کانتیلون ریشه دارد، امروز در تحلیل تورم، بازار دارایی‌ها و نابرابری اقتصادی کاربرد فراوانی یافته است.



یادداشت

بانک علیه مسکن!

رحمان سعادت

کارشناس اقتصادی



«مسکن» به منزله کالای مصرفی در جهان همواره یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر بوده است. در طول تاریخ نیز اصلی‌ترین و اساسی‌ترین نیاز بشر برای ادامه حیات برخورداری از سرپناهی امن و ایمن بوده است، موضوعی که امروز نیز یک اصل مهم برای یکایک افراد جامعه به شمار می‌رود؛ چرا که داشتن ملک و سرپناه چنان حائز اهمیت است که ازدواج و تشکیل خانواده و... را به خود وابسته کرده است. متأسفانه، در طول سال‌های اخیر بانک‌ها و دلالاتی که در بازار مسکن حضور مستمری داشته‌اند و با قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری در بازار مسکن عامل مهمی در التهاب‌های قیمت مسکن شده‌اند، خرید مسکن و برخورداری از سرپناه را برای بسیاری از مردم سخت و حتی ناممکن کرده‌اند.

کارشناسان امر معتقدند، متأسفانه نظام بانکی کشور با روش‌های گوناگون طی سال‌های گذشته به بحران‌افزایی در بازار مسکن دامن زده است. سرمایه‌های مردمی نزد بانک‌ها به جای هدایت شدن به سمت فعالیت‌های مولد، در خرید و ساخت‌وساز مسکن به کار گرفته شده، لذا بازار مسکن از چنین تصمیماتی متشنج شده است؛ به گونه‌ای که امروز ساختمان‌های بزرگ در عمده شهرها تحت تملک بانک‌ها یا برخی از بنگاه‌های اقتصادی است که وظیفه یا مسئولیتی در حوزه مسکن ندارند؛ یعنی منطقاً نباید دارای املاک مازاد یا بزرگ باشند، اما هستند. از سوی دیگر، دلالاتی که وارد این بازار شدند با زمینه‌سازی برای افزایش قیمت زمین و مسکن، بازار مسکن و قدرت خرید مردم راتحت الشعاع خواسته‌های منفعت‌طلبانه خود قرار دادند.

متأسفانه نوسان‌گیری در بازارهای گوناگون و هدایت درآمدها به سمت بازار مسکن در کنار تولید و عرضه‌ای که کمترین نسبتی با نیازهای جامعه ندارد و همکاری نکردن دولت با بخش خصوصی که خواهان ساخت‌وساز تولید است، موجب افزایش قیمت مسکن و فشار به طبقه مستأجران شد. بی‌شک تداوم التهاب در بازار مسکن، طبقه ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه را تحت فشار های اقتصادی و معیشتی بیشتری قرار می‌دهد؛ چرا که بخش قابل توجهی از درآمد کارگران و کارمندان با درآمدهای ثابت صرف پرداخت اجاره‌بها می‌شود و متأسفانه طی سال‌های اخیر هزینه‌های مربوط به مسکن همواره درصد بیشتری از مجموع سبد مصرفی خانوار را تشکیل داده است؛ به گونه‌ای که امروزه در شهرهای بزرگ حدود بیش از ۵۰ درصد درآمد خانوار صرف هزینه‌های مربوط به مسکن می‌شود.

بی‌تردید، دولت با سیاست‌گذاری‌های درست حول محور ساخت‌وساز مسکن، فضاسازی برای حضور بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران در ساخت مسکن‌های انبوه مطابق با نیاز جامعه باید در راه کاهش قیمت مسکن و به تبع آن برداشتن بار و فشار بسیار زیاد پرداخت اجاره‌بها از روی دوش مستأجران گام‌های مثبتی بردارد، در غیر این صورت فشار پرداخت اجاره‌بها که براساس افزایش میزان تورم و قیمت ملک تعیین می‌شود، روزگار مستأجران را سخت‌تر می‌کند.

دیگران

سهم اروپا از ناتو!

صبح صادق این یادداشت را صرفاً جهت اطلاع مخاطبان منتشر می کند*

نشست امسال ناتو در حالی برگزار می شود که روابط دو سوی اقیانوس اطلس با چالش های سیاسی متعددی روبه روست. تنش های ناشی از درگیری اخیر آمریکا با ایران، اختلاف نظرهای واشنگتن با برخی دولت های اروپایی و انتقادهای دونالد ترامپ از میزان همراهی متحدان اروپایی در بحران های امنیتی، فضایی ایجاد کرده که ممکن است دستاوردهای این اجلاس را تحت الشعاع قرار دهد. با این حال، اگر به آمارها توجه شود، تصویر دیگری نمایان می شود که نشان می دهد اروپا در حال پاسخ دادن به مطالبه ای است که آمریکا سال ها بر آن تأکید داشته است! اگر چه اجلاس امسال بر خلاف سال گذشته فاقد تصمیمی نمادین، مانند تعیین هدف اختصاص پنج درصد تولید ناخالص داخلی به هزینه های دفاعی است، اما سه شاخص مهم، یعنی افزایش بودجه دفاعی، گسترش توان صنعتی دفاعی و تداوم حمایت از اوکراین، از پیشرفت قابل توجه کشورهای اروپایی حکایت دارد.

در زمینه هزینه های دفاعی، کشورهای اروپایی ناتو پس از توافق سال گذشته برای رساندن سهم هزینه های دفاعی به پنج درصد تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۳۵، گام های عملی مهمی برداشته اند. افزایش بودجه دفاعی تنها زمانی معنا پیدا می کند که به تقویت توان نظامی واقعی منجر شود. به همین دلیل، توسعه صنایع دفاعی به یکی از محورهای اصلی اجلاس امسال تبدیل شده است. رشد درآمد بزرگترین شرکت های دفاعی در کشورهای عضو نشان می دهد سرمایه گذاری های جدید به تدریج وارد بخش تولید شده و ظرفیت های صنعتی را تقویت کرده است. برخی کشورها سرمایه گذاری گسترده ای روی صنایع داخلی خود انجام داده اند، در حالی که برخی دیگر مانند آلمان منابع خود را میان شرکت های مختلف توزیع کرده یا بخشی از نیازهای دفاعی را از دیگر کشورهای اروپایی، آمریکا و حتی شرکای آسیایی مانند کره جنوبی و ژاپن تأمین می کنند. همزمان، ظهور شرکت های نوآور، به ویژه در حوزه پهپادها، نشان می دهد که نوآوری دفاعی دیگر تنها در اختیار تولیدکنندگان سنتی نیست و بازیگران جدید نیز جایگاه مهمی یافته اند. پیش بینی می شود در حاشیه اجلاس، توافقی های تازه ای برای همکاری های صنعتی میان اروپا و آمریکا اعلام شود تا نشان داده شود افزایش هزینه های دفاعی، علاوه بر تقویت امنیت، به رشد اقتصادی دو سوی اقیانوس اطلس نیز کمک می کند.

موضوع دیگر، ادامه حمایت از اوکراین است که امسال دوباره به یکی از محورهای اصلی نشست تبدیل شده است. ناتو با سازوکاری موسوم به «فهرست اولویت دار نیازهای اوکراین» این امکان را فراهم کرده که کشورهای اروپایی تجهیزات نظامی آمریکایی را برای کی یف خریداری کنند. مجموع این تحولات نشان می دهد اروپا در حال ایفای نقشی فعال تر در تأمین امنیت جمعی است، هرچند روشن نیست این پیشرفت ها برای رفع نگرانی ها و جلب رضایت کامل واشنگتن کافی باشد.

***اندیشکده شورای آتلانتیک**

نگاهی به حرکت اروپا در مسیر استقلال راهبردی و فرصت های پیش روی کشورمان

فصل جدید ناتو

سامانه های اطلاعاتی، حمل ونقل راهبردی و فناوری های پیشرفته دفاعی این پیمان را آمریکا تأمین کرده و کشورهای اروپایی عمدتاً از مزایای این چتر امنیتی بهره مند بوده اند. با این حال، تغییر تدریجی اولویت های راهبردی واشنگتن، به ویژه تمرکز بر رقابت با چین در حوزه هند و اقیانوس آرام، موجب شده است که سیاست گذاران آمریکایی خواهان کاهش تعهدات پر هزینه خود در اروپا شوند.

در این میان، جنگ اوکراین نقطه عطفی در بازاندیشی امنیتی اروپا به شمار می آید. اگر چه این جنگ موجب احیای نسبی انسجام ناتو شد، همزمان وابستگی گسترده اروپا به توان نظامی و لجستیکی آمریکا را نیز آشکار کرد. همین تجربه، بسیاری از رهبران اروپایی را به این جمع بندی رساند که امنیت پایدار قاره اروپا نمی تواند همواره به اراده سیاسی دولت های مستقر در واشنگتن وابسته باشد؛ به ویژه آنکه تغییر دولت ها در آمریکا ممکن است هر چهار سال یکبار اولویت های امنیتی این کشور را دستخوش تحول کند. توافق اعضای ناتو برای حرکت به سمت اختصاص پنج درصد تولید ناخالص داخلی به حوزه دفاع نیز تنها یک تصمیم مالی نیست، بلکه نشانه ای از تغییر نگرش راهبردی اروپا نسبت به آینده امنیت این قاره به شمار می رود.

استقلال اروپا!

یکی از مهم ترین ویژگی های وضعیت کنونی، افزایش فاصله دیدگاه های راهبردی میان دو سوی اقیانوس اطلس است. این شکاف الزاماً به معنای فروپاشی ناتو نیست، بلکه بیان کننده تغییر در ماهیت روابط میان آمریکا و متحدان اروپایی است. اروپا همچنان ناتو را مهم ترین چارچوب دفاع جمعی خود می داند، اما همزمان در تلاش است تا وابستگی مطلق به واشنگتن را کاهش دهد و ظرفیت تصمیم گیری مستقل را افزایش دهد.

این روند، در عوامل متعددی ریشه دارد. نخست، تغییر اولویت های ژئوپلیتیکی آمریکا و تمرکز فزاینده بر مهار چین است. دوم، اختلاف نظر درباره نحوه مدیریت بحران های بین المللی، از جنگ اوکراین گرفته تا تحولات غرب آسیا. سوم، فشارهای اقتصادی ناشی از افزایش هزینه های نظامی و رقابت های فناوری که دولت های اروپایی را ناگزیر به بازتعریف اولویت های بودجه ای کرده است.

در چنین شرایطی، اروپا به تدریج در حال شکل دادن به نوعی «استقلال راهبردی» است؛ مفهومی که طی سال های گذشته بیشتر در ادبیات سیاسی مطرح بود، اما اکنون به سیاست عملی تبدیل شده است. البته تحقق کامل این هدف با موانع متعددی روبه روست. اختلاف دیدگاه میان کشورهای اروپایی، تفاوت ظرفیت های اقتصادی، وابستگی برخی اعضا به

تضمین های امنیتی آمریکا و چالش های مربوط به هماهنگی صنایع دفاعی، همچنان مانع از شکل گیری یک ساختار دفاعی کاملاً مستقل شده است. با این حال، جهت کلی تحولات نشان می دهد اروپا دیگر صرفاً به دنبال حفظ وضع موجود نیست، بلکه در حال طراحی معماری امنیتی متناسب با شرایط جدید نظام بین الملل است.

بنابراین، آنچه امروز مشاهده می شود، بیش از آنکه نشانه ضعف ناتو باشد، بیان کننده گذار این پیمان به مرحله ای جدید از تقسیم مسئولیت ها و بازتوزیع قدرت در درون ائتلاف غرب است.

پیامدهای راهبردی

تحولات یادشده، فرصت ها و ملاحظات جدیدی را پیش روی سیاست خارجی کشورمان قرار می دهد. نخست آنکه افزایش استقلال نسبی اروپا می تواند زمینه اتخاذ مواضع واقع بینانه تر از سوی برخی کشورهای اروپایی در قبال مسائل منطقه ای و بین المللی را فراهم کند. هر اندازه تصمیم گیری های امنیتی اروپا کمتر تحت تأثیر ملاحظات داخلی آمریکا قرار گیرد، امکان شکل گیری ابتکارهای مستقل دیپلماتیک نیز افزایش خواهد یافت.

دوم آنکه تمرکز بیشتر آمریکا بر رقابت با چین و انتقال بخشی از مسئولیت های امنیتی اروپا به خود این قاره، بخشی از ظرفیت راهبردی واشنگتن را به مناطق دیگر معطوف خواهد کرد. چنین تغییری به معنای پایان رقابت های ژئوپلیتیکی نیست، اما می تواند الگوهای تعامل قدرت های بزرگ در غرب آسیا را دستخوش تغییر کند. در چنین فضای، کشورمان با برخورداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، ظرفیت های انرژی، توانمندی های دفاعی و شبکه های گسترده همکاری منطقه ای، می تواند جایگاه خود را در معادلات منطقه ای بیش از پیش تثبیت کند. سوم آنکه حرکت اروپا به سمت تقویت صنایع دفاعی، امنیت انرژی و تنوع بخشی به زنجیره های تأمین، زمینه های جدیدی را برای تعاملات اقتصادی و فناورانه در نظام بین الملل ایجاد خواهد کرد. هرچند محدودیت های ناشی از تحریم ها همچنان یکی از چالش های اصلی به شمار می آید، تجربه نشان داده است که هرگاه اروپا از استقلال بیشتری در تصمیم گیری برخوردار بوده، امکان بهره گیری از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی متنوع تر نیز افزایش یافته است. البته بهره برداری از این فرصت ها نیازمند پر هیز از نگاه ساده انگارانه است. اختلافات میان آمریکا و اروپا به معنای گسست کامل ائتلاف غرب نیست و همچنان در بسیاری از موضوعات، هماهنگی راهبردی میان دو سوی آتلانتیک ادامه خواهد داشت. از این رو، سیاست خارجی کشورمان باید ضمن رصد دقیق روندهای جدید، از هرگونه برداشت هیجانی یا اغراق آمیز

نسبت به اختلافات موجود پرهیز کند و بر تحلیل واقع بینانه تحولات تمرکز داشته باشد.

سیاست گذاری فعال

تحولات جاری نشان می دهد جهان در حال ورود به مرحله ای از بازآرایی قدرت است که در آن، ائتلاف های سنتی نیز ناگزیر از بازتعریف نقش و کارکرد خود هستند. ناتو دیگر همان پیمان دوران جنگ سرد نیست و اروپا نیز دیگر حاضر نیست امنیت خود را صرفاً بر پایه تضمین های آمریکا بنا کند. افزایش بودجه های دفاعی، توسعه صنایع نظامی، تلاش برای استقلال تصمیم گیری و بازتعریف جایگاه اروپا در محیط امنیتی پیرامونی، همگی نشانه های ورود این قاره به مرحله ای جدید از بلوغ راهبردی است.

برای کشورمان، مهم ترین پیام این تحول آن است که باید با نگاهی آینده نگر، تغییرات تدریجی در روابط فرآتلانتیکی را به عنوان بخشی از دگرگونی بزرگ تر نظام بین الملل مورد توجه قرار دهد. بهره گیری از فرصت های ناشی از افزایش استقلال نسبی اروپا، مستلزم دیپلماسی فعال، شناخت دقیق شکفا ها و همکاری های درون غرب، توسعه همکاری با قدرت های نوظهور و استمرار سیاست متوازن در عرصه بین المللی است.

همچنین تقویت ظرفیت های داخلی در حوزه اقتصاد، فناوری، امنیت و دیپلماسی عمومی، شرط اساسی بهره برداری از فرصت هایی است که در نتیجه بازتوزیع قدرت در نظام جهانی پدیدار می شود. هر اندازه توان ملی کشورمان در ابعاد مختلف افزایش یابد، امکان نقش آفرینی مؤثر تر در محیط منطقه ای و بین المللی نیز بیشتر خواهد شد.

با عنایت به آنچه بیان شد، آنچه امروز در ناتو جریان دارد، صرفاً اختلافی بر سر میزان بودجه دفاعی یا نحوه تقسیم هزینه ها نیست؛ بلکه نشانه آغاز فصل تازه ای در نظم امنیتی غرب است. اگر اروپا بتواند مسیر استقلال راهبردی خود را با موفقیت ادامه دهد، شاهد شکل گیری معادلاتی متفاوت در روابط فرآتلانتیکی خواهیم بود. در چنین شرایطی، کشورمان با تکیه بر ظرفیت های ملی، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز و سیاست خارجی هوشمندانه، می تواند از فضای جدید برای گسترش تعاملات سازنده، کاهش برخی محدودیت های بین المللی و ارتقای جایگاه خود در نظم در حال تحول جهانی بهره برداری کند. آینده امنیت اروپا، صرفاً مسئله ای اروپایی نیست؛ بلکه بخشی از فرآیند گسترده بازآرایی قدرت در جهان است و هر کشوری که این روند را دقیق تر بشناسد و متناسب با آن سیاست گذاری کند، سهم بیشتری از فرصت های پیش رو خواهد داشت.

چرا ترامپ تحریم های آنکارا را برداشت؟

با غرب، بخشی از راهبرد آمریکا برای شکل دهی به محیط امنیتی آینده منطقه به شمار می رود.

همسایه، شریک و رقیب

برای کشورمان، شناخت جایگاه جدید ترکیه اهمیت ویژه ای دارد. روابط تهران و آنکارا، برخلاف بسیاری از روابط منطقه ای، همواره ترکیبی از همکاری، رقابت و مدیریت اختلافات بوده است. برای کشورمان، راهبرد مطلوب نه نگاه بدبینانه به همسایه غربی و نه خوش بینی افراطی نسبت به اهداف آنکارا است. ترکیه همسایه ای مهم، شریک اقتصادی ارزشمند و یکی از بازیگران تأثیرگذار منطقه است؛ اما هم زمان رقیبی ژئوپلیتیکی و ژئواسترآژیکی نیز به شمار می رود که در برخی حوزه ها اهداف متفاوتی را دنبال می کند. بر همین اساس، توسعه همکاری ها باید همواره در کنار هوشیاری راهبردی، رصد مستمر تحولات و حفظ ابتکار عمل دیپلماتیک دنبال شود. در شرایط گذار نظام بین الملل، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، شناخت دقیق اهداف قدرت های بزرگ در قبال بازیگران منطقه ای است.

مدیریت پرونده هایی مانند جنگ اوکراین، امنیت دریای سیاه، تحولات سوریه، کنترل مسیرهای

انرژی و حتی تعامل با روسیه نقش بی بدیلی دارد. از این منظر، رفع تحریم ها و احیای همکاری های دفاعی با ترکیه را می توان بخشی از راهبرد گسترده تر واشنگتن برای بازسازی اعتماد با یکی از مهم ترین شرکای منطقه ای خود دانست. این اقدام، صرفاً امتیازی به آنکارا نیست، بلکه سرمایه گذاری سیاسی برای افزایش هماهنگی ترکیه با اهداف کلان آمریکا و ناتو در محیط پیرامونی به شمار می آید. در همین چارچوب، یکی از اهداف محتمل این سیاست را می توان تلاش برای مدیریت رفتار منطقه ای ترکیه در قبال پرونده های حساس، به ویژه تحولات مرتبط با کشورمان ارزیابی کرد. واشنگتن به خوبی می داند که بدون همراهی نسبی آنکارا، مدیریت بسیاری از تحولات غرب آسیا، از سوریه و عراق گرفته تا قفقاز جنوبی و مسیرهای انتقال انرژی، با دشواری بیشتری مواجه خواهد شد. از این رو، کاهش تنش با ترکیه و بازگرداندن آن به مدار همکاری نزدیک تر

اعضای اروپایی ناتو از آن برخوردار نیستند. به همین دلیل، هرگونه تغییر در جایگاه ترکیه، مستقیماً بر موازنه قدرت در ناتو و معادلات امنیتی منطقه اثر می گذارد.

چرا ترامپ به ترکیه نیاز دارد؟

روابط واشنگتن و آنکارا طی یک دهه گذشته با اختلافات متعددی از جمله خرید سامانه دفاعی اس-۴۰۰ از روسیه، خروج ترکیه از برنامه جنگنده اف-۳۵، اختلاف بر سر نیروهای گرد در سوریه و برخی مسائل شرق مدیترانه همراه بوده است. با این حال، تحولات جدید نشان می دهد ملاحظات ژئوپلیتیکی بار دیگر بر اختلافات سیاسی غلبه کرده است.

ترامپ امروز بیش از هر زمان دیگری به دنبال کاهش تعهدات مستقیم آمریکا در اروپا و انتقال بخشی از مسئولیت های امنیتی به متحدان منطقه ای است. تحقق این راهبرد بدون مشارکت فعال ترکیه دشوار خواهد بود. آنکارا نه تنها یکی از ستون های جنوبی ناتو به شمار می آید، بلکه در

پرداختن به شخصیت‌های بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی، همواره یکی از چالش‌های سینما و تلویزیون بوده است. به ویژه اگر لازم به سرعت هم باشد، معمولاً سوژه گرانقدر، زیر بار شتاب‌زدگی و ضعف ساختاری، فرصت جلوه‌گری هنر مندانه نمی‌یابد. تجربه نشان داده است که فاصله میان وقوع یک رویداد و تولید اثر نمایشی درباره آن، معمولاً آن‌قدر طولانی می‌شود که بخش مهمی از ظرفیت عاطفی و رسانه‌ای آن واقعه از دست می‌رود. پیچیدگی‌های ساختاری، فرآیندهای طولانی تولید، انتظار برای بودجه‌های سنگین و نگاه پروژه‌محور، اغلب موجب شده‌اند که آثار نمایشی زمانی به آنتن برسند که مخاطب از فضای احساسی و اجتماعی آن رویداد عبور کرده است.

در چنین وضعیتی، مجموعه تلویزیونی «دیدار» را می‌توان تجربه‌ای متفاوت و قابل توجه در عرصه تولیدات مناسبی رسانه ملی دانست؛ اثری که تلاش کرده است با عبور از الگوی رایج تولید، پاسخی سریع، هنر مندانه و متناسب با شرایط اجتماعی به شهادت رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام سیدعلی خامنه‌ای و مراسم تشییع تاریخی ایشان ارائه دهد. مهم‌ترین امتیاز «دیدار» نه صرفاً در روایت زندگی یک شخصیت تاریخی، بلکه در اثبات امکان تولید آثار دراماتیک مؤثر در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. هوشمندی سازندگان در این بوده که به جای انتظار برای تولید یک سریال الف‌بویژه یا یک پروژه پرهزینه بیوگرافیک، ظرفیت‌های قالب مینی مال را جدی گرفته‌اند. نتیجه آن شده است که مجموعه، بدون گرفتار شدن در محدودیت‌های رایج تولید، توانسته بخش مهمی از نیاز فرهنگی و رسانه‌ای جامعه را پاسخ دهد. «دیدار» در واقع ثابت می‌کند

که گاهی انتخاب فرم مناسب، بسیار تعیین‌کننده‌تر از گستردگی امکانات تولید است.

ساختار اپیزودیک مجموعه نیز از نقاط قوت آن به شمار می‌آید. هر قسمت حدود پنج دقیقه زمان دارد؛ زمانی اندک که اگر چه محدودیت‌هایی برای شخصیت‌پردازی ایجاد می‌کند، اما در اینجا به مزیتی روایی تبدیل شده است. هر اپیزود همچون یک برش مستقل از زندگی رهبر شهید عمل می‌کند و با تمرکز بر یک خاطره یا یک موقعیت مشخص، تصویری موجز اما اثرگذار از سیره فردی، انقلابی و اجتماعی ایشان ارائه می‌دهد. این ایجاز سبب شده است که مخاطب، بدون احساس خستگی یا پراکندگی، در هر قسمت با یکی از ابعاد شخصیتی ایشان مواجه شود.

تنوع موضوعی نیز از دیگر ویژگی‌های موفق مجموعه است. از دوران طلبگی و مبارزات پیش از انقلاب تا زندان و شکنجه، حضور در دفاع مقدس، ارتباط با اقشار گوناگون مردم، رسیدگی به کارگران، همدردی با آسیب‌دیدگان حوادث طبیعی و اهتمام به فرهنگ و کتاب، همگی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند تا تصویری نسبتاً جامع از شخصیت محوری اثر شکل گیرد. همین تنوع موجب شده است که «دیدار» صرفاً یک مجموعه سوگ‌محور نباشد، بلکه هم‌زمان واجد سه کارکرد مهم باشد: «روایت زندگی»، «بازنمایی حماسه» و «انتقال معرفت».

برای نمونه، اپیزود «یک تکه نان» فضایی احساسی و عاطفی دارد؛ جایی که زن زلزله زده، از حضور سرزده و بدون تشریفات امام شهید در جادر محل اسکانش می‌گوید و اینکه تنها چیزی که برای پذیرایی از ولی امر مسلمین در آن چادر داشته، تکه‌ای نان خشک بوده و بس! مایه تعلیق این بخش هم این بوده که رهبر شهید، بدون پوشش مرسوم و آتقدر متواضع و ساده در چادر حضور یافته بود که این زن، اصلاً ایشان را نشناخته بود و بعد از ترک

چادر، دیگران به او می‌گویند که اصلاً متوجه شدی که آقا مهمانت بودا درحالی که بخش لباس سربازی که درباره حضور آقای شهید در خط مقدم جبهه و همقدمی او با رزمندگان است، بیشتر لحنی حماسی دارد. اما مهم‌ترین دستاورد هنری «دیدار» را باید در انتخاب زبان روایت و شیوه بازیگری آن جست‌وجو کرد. استفاده آگاهانه از تکنیک فاصله‌گذاری و حذف مرز میان بازیگر و مخاطب، مهم‌ترین ویژگی فرمی مجموعه است. بازیگران با سابقه‌ای همچون رسول نجفیان، اسماعیل خلج، عزت‌الله مضانی‌فر، کاظم هژیرآزاد، بهمن دان، اصغر نقی‌زاده، فرهاد بشارتی، آریتا ترکاشوند و پانته‌آ کی‌قبادی، بیش از آنکه در حال ایفای نقش باشند، گویی تجربه زیسته خود را با مخاطب در میان می‌گذارند. این انتخاب، لحن اثر را از بازسازی صرف تاریخی فاصله داده و آن را به نوعی روایت صمیمی و بی‌واسطه نزدیک کرده است.

نمونه شاخص این رویکرد را می‌توان در اپیزود «هم‌سلولی» مشاهده کرد. کاظم هژیرآزاد در این قسمت صرفاً شخصیت یک هم‌بند را بازنمایی نمی‌کند، بلکه با تکیه بر تجربه، احساس و تسلط خود، مخاطب را به قلب فضاسازی زندان‌های رژیم پهلوی می‌برد و هم‌بند بودن با امام خامنه‌ای را معنا می‌بخشد. قدرت بیان، کنترل احساس و پرهیز از اغراق، موجب شده است که این اپیزود به یکی از موفق‌ترین بخش‌های مجموعه تبدیل شود.

برداشت

نگاهی به فیلم تاکسیدرمی

وادادگی پهلوی در آینه فانتزی

نویسندگان فیلمنامه (محمد پایدار و محسن ملکی) با عاریه گرفتن نام عبدالرضا پهلوی (برادر ناتنی محمدرضا شاه) که شیفته شکار و تاکسیدرمی بود، بستری فانتزی و کمدی پیرامون تلاش این شاهزاده برای فرار از کشور و پناهندگی به تل آویو با همراهی سه شکارچی و مأموران موساد در جنگل‌های دشت نازساری طراحی کرده‌اند.

♦ ابعاد و جنبه‌های محتوایی فیلم

از منظر محتوایی، «تاکسیدرمی» اثری صریح، دغدغه‌مند و کاملاً ضدصهیونیستی است. فیلم به زیبایی مفهوم «وادادگی و وابستگی» خاندان پهلوسی به دولت‌های خارجی را به عنوان بستر محتوایی کار قرار داده است. در حالی که مردم در زمستان ۱۳۵۷ درگیر مبارزه برای استقلال، آزادی و حاکمیت اسلامی در کشور هستند، یک شاهزاده پهلوی تمام هم‌وغم خود را معطوف به منافع شخصی، تفریح و معامله با بیگانگان کرده است. نقطه اوج و پیام علنی فیلم در اواخر داستان و در هندسه ارتباط بیگانگان با مهره‌های داخلی شکل می‌گیرد؛ جایی که مأموران موساد بین نجات عبدالرضا پهلوی و دزدیدن گوزن زرد ایرانی، زیست‌بوم و گوزن ایرانی را ترجیح می‌دهند و شاهزاده را رها می‌کنند. این تصویر خشک‌شده و خیره‌عبدالرضا پای هوایمابدون گوش وانگشت، استعاره‌ای دقیق از سر نوشت کسانی است که وطن خود را حراج می‌کنند و در نهایت آواره و بی هویت می‌شوند؛ مصداق بارز همان ترانه آشنا



البته «دیدار» خالی از کاستی نیست. محدودیت زمانی برخی اپیزودها اجازه نمی‌دهد ظرفیت‌های دراماتیک برخی وقایع به‌طور کامل شکوفا شود و گاه مخاطب احساس می‌کند که بعضی روایت‌ها می‌توانستند چند دقیقه بیشتر ادامه یابند تا شخصیت‌ها فرصت تنفس بیشتری پیدا کنند. همچنین، انکای زیاد به روایت مستقیم در برخی قسمت‌ها، از ظرفیت تصویر و کنش نمایشی کاسته است. با این حال، این موارد را باید در نسبت با مأموریت اصلی مجموعه ارزیابی کرد؛ مأموریتی که بیش از هر چیز بر سرعت، تأثیرگذاری و حضور به‌موقع در میدان روایت استوار بوده است.

به‌طور کل باید گفت، ارزش واقعی «دیدار» فراتر از موفقیت یا عدم موفقیت تک‌تک اپیزودهای آن است. این مجموعه یک الگوی تولید را پیش روی رسانه ملی قرار می‌دهد؛ الگویی که نشان می‌دهد می‌توان در بزنگاه‌های تاریخی، بدون انتظار برای پروژه‌های پرهزینه و زمان‌بر، آثاری شریف، اثرگذار و مخاطب‌پسند تولید کرد. «دیدار» یادآور این حقیقت است که در روایت شخصیت‌های بزرگ تاریخ انقلاب، همیشه عظمت دکور، کثرت لوکیشن یا بودجه‌های میلیاردری تعیین‌کننده نیست؛ بلکه انتخاب درست فرم، صداقت روایت، ایمان سازندگان و شناخت دقیق اقتضانات رسانه، می‌تواند اثری بیافریند که هم در حافظه تاریخی مخاطب ماندگار شود و هم مسیر تازه‌ای برای تولیدات مناسبی تلویزیون بگشاید.

صورت هاپیرنال) گامی رو به جلو در سینمای کمدی ایران به شمار می‌آید و نامزدی فیلم در چهار رشته جشنواره فجر (از جمله جلوه‌های ویژه بصری و فیلمبرداری) گواهی بر این مدعاست. با وجود تمام نکات مثبت، «تاکسیدرمی» خالی از اشکال نیست. فیلم در یک‌سوم پایانی دچار افول، کندی ریتم و تغییر لحن ناگهانی می‌شود، هر چند به ریل خود بازمی‌گردد؛ اما بزرگ‌ترین چالش فیلم که مانع از توفیق جدی آن در گیشه و حتی در جشنواره شده، به لکت اثر در «تعیین دقیق مخاطب هدف» بازمی‌گردد.

♦ نقاط ضعف و قوت

سازندگان فیلم از یک سو با ارگان حامی (سازمان سوره) توافق محتوایی دارند تا مفاهیم انقلابی، سیاسی و تاریخی مدنظر را منتقل کنند و از سوی دیگر برای تضمین گیشه و جذب تـورده مردم، شاخصه‌هایی از کمدی‌های مرسوم گیشه‌ای را به کار تزریق کرده‌اند. نتیجه این رویکرد دوگانه آن است که فیلم نه می‌تواند رضایت کامل مخاطب کمدی‌های عامه‌پسند را که صرفاً به دنبال قهقهه زدن هستند، جلب کند و نه مخاطب جدی سینمای استرآنژیک را کاملاً اقناع می‌کند. علاوه بر این، لحن فانتزی و کمدی فیلم درباره وقایع انقلاب، برای بخشی از مخاطبان که پیش‌فرض‌های جدی تاریخی دارند، غریب و باورپذیر به نظر نمی‌رسد و ارتباط آنها را با کاراکترها قطع می‌کند.

در مجموع، «تاکسیدرمی» اثری محترم، دغدغه‌مند و خوش‌ساخت در سینمای کمدی‌فانتزی ایران است که ذات سوژه تاریخی اش با کمدی گره خورده است.

یادداشت

انتقام در سینما

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، حضرت امام خامنه‌ای، تنها یک آیین وداع نبود؛ بلکه به رفراندومی ده‌ها میلیونی در ایران و عراق مبدل شد که یکصدا و آموخته از مکتب عاشورا، «فریاد انتقام» را به مثابه یک مطالبه ملی و منطقه‌ای طنین‌انداز کردند. این غرش میلیونی امتی عزادار اما مصمم، فراتر از یک واکنش عاطفی مقطعی، تبلور یک راهبرد کلان سیاسی و امنیتی در جغرافیای مقاومت است. اما سؤال این است که رسالت منظومه فرهنگی کشور، به ویژه سینما و تلویزیون در بازنمایی و تثبیت این مطالبه‌فرآگیر چیست؟ باید یادآوری کرد که هنر هفتم و رسانه‌های تصویری غربی، سال‌هاست که به منزله ارتش سایه و بازوی پیاده‌نظام پنتاگون عمل می‌کنند. هالیوود در مجموعه‌هایی چون «میهن» یا «۲۴»، ابتدا رویاها، نقشه‌ها و ترورهای مدنظر دولتمردان کاخ سفید را در قاب تصویر بازسازی می‌کند و سپس به آن در دنیای واقعیت‌عنیت می‌بخشد.

در مقابل، امروز خاسته انتقام رهبر شهید و کثیر عادلانه جنایت‌کاران، به رؤیای صادق و مشترک ملت‌های بیدار منطقه تبدیل شده است. رسالت نخست سینما و تلویزیون ما، تألیف مبانی این رؤیا در قالب آثار دراماتیک، ملموس و ماندگار است. اگر هنرمندان متعهد بتوانند کابوس فروپاشی استکبار و تحقق صیرورت انتقام را در ساختارهای جذاب داستانی، مجموعه‌های تلویزیونی و سینمایی تصویر کنند، این مطالبه عمومی، روحی زنده و مستمر خواهد یافت و شعله خون‌خواهی در دل‌ها زنده خواهد ماند.

ورای نکالیف هنر‌مندان، چالش اصلی در بدنه «مدیریت فرهنگی» کشور نهفته است. در حالی که جبهه استکبار حتی به مواریت فرهنگی ما چنگ می‌اندازد و در آثاری مانند «۳۰۰» هویت ملی ما را نشانه می‌رود، کارنامه دو دهه اخیر سینما و رسانه ملی در تولید آثار استرآنژیک ضداستکباری توجیه‌پذیر نیست. این خلأ ناشی از نوعی نگاه بوروکراتیک و منفعل در مدیریت فرهنگی است که پرداختن به این مضامین حیاتی را مأموریت اصلی خود نمی‌داند.

برای تحقق مطالبه امت، نیازمند تکانه‌ای ساختاری در نهادهای متولی هستیم: صدا و سیما و وزارت ارشاد باید ریل‌گذاری تولیدات خود را از مواضع خنثی به سمت سینمای استرآنژیک و افشاگر ایانه تغییر دهند.

سینمایی تراز انقلاب اسلامی باید از این انفعال عبور کند. جشنواره‌های داخلی، به ویژه جشنواره فیلم فجر، نباید تنها به تغییرات صوری نظیر اهدای تندیس‌های افتخاری بسنده کنند، بلکه باید اتمسفر کلی تولیدات را به سمت گفتمان مقاومت هدایت کنند. همچنین، در عرصه بین‌المللی، رسالت ما تبدیل جشنواره‌ها به کارزارهایی برای هم‌افزایی هنر‌مندان ضدسلطه و مستقل جهان است؛ کسانی که در بایکوت رسانه‌ای غرب قرار دارند، اما می‌توانند بازتاب‌دهنده فریاد تظلم‌خواهی و انتقام‌جویی امت اسلامی در سطح جهان باشند.

بلرقه‌دهه‌ها میلیونی رهبر شهید، حتی آشکار بر دوش رسانه‌های تصویری است. زمان آن فرا رسیده که سینما و تلویزیون با عبور از پیاده‌روی بر فرش‌های قرمز غربی، بر روی فرسنگ‌ها خاکریز فرهنگی جبهه مقاومت قدم بگذارند و با زبان تصویر، ترجمان صادق «انتقام‌سخت» باشند.

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیرمسئول:یدالله جوانی
سرمدیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سایمک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی فر،رضاصارمی راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه آر:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۱۱۰ و ۰۱۰۰ ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)
sobhesadegh.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳ ۳۰۰۹۹۰۰
شماره ۱۲۴۵ | دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵

مکتب

حق تعیین سرنوشت

ایمان معینی

کارشناس مذهبی

بر اساس آموزه‌های دینی و مکتبی، مسئله «تعیین سرنوشت»، نه امری کاملاً تحمیلی و جبری است و نه اینکه به‌طور کامل به انسان واگذار شده است، بلکه حقیقتی است در میانه این دو، که با عنوان «امر بین الامرین» از آن یاد شده است. این اصل، بنیاد انتخاب‌گری و اراده جمعی یک امت را شکل می‌دهد. خداوند متعال، انسان‌ها را موجوداتی مختار آفریده و اسباب رشد یا انحطاط را در چارچوب قضا و قدر الهی، به انتخاب خودشان واگذار کرده است. در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) این معنا به زیبایی تبیین شده است که اگر قضا و قدر به‌معنای جبر و سلب اختیار بود، وعده و وعید، امر و نهی و نظام پاداش و کیفر الهی، همگی باطل و بی‌معنا می‌شدند و هرگز گناهکاران ملامت و نیکوکاران مدح و تکریم نمی‌شدند.

در پرتو این نگاه، سعادت و تعالی یک جامعه، تنها با اراده جمعی و همراهی آحاد امت محقق می‌شود. همان‌گونه که در نامه حضرت علی(ع) به مالک اشتر، مردم ستون دین و مایه عزت مسلمانان معرفی شده‌اند، وجود رهبری آگاه و عادل نیز به تنهایی برای رسیدن به پیروزی کافی نیست؛ بلکه شرط اساسی و اصلی، حرکت آگاهانه و هماهنگ خود مردم است. اگر توده‌های مردم در مسیر فساد، اختلاس و سرپیچی از هنجارها گام بردارند، هیچ رهبری، هر چند فرزانه و الهی باشد، قادر به نجات جامعه و هدایت آن به‌سوی کمال نخواهد بود.

از سوی دیگر، روایت بر وجوب شناخت اسام و همراهی با ایشان برای پرهیز از سرنوشت شوم تأکید دارند. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی صریح می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ این بیان شریف فقط یک هشدار فردی نیست، بلکه پیامی برای کل امت است که گره زدن سرنوشت جمعی به رهبری معصوم و همراهی با آن، شرط حیات شرافتمندانه و پرهیز از فتنه‌ها و گمراهی‌های تاریخی است.

بنابراین، «تعیین سرنوشت» در نگاه‌روایی، یک فرآیند دوسویه است: از یک سو، اراده و همبستگی جمعی مردم که با انتخاب راه درست و کنار هم قرار گرفتن، زمینه‌ساز رشد و تعالی است و از سوی دیگر، التزام به نظام ولایت و رهبری معصوم که مسیر این حرکت جمعی را هدایت کرده و آن را از انحراف مصون می‌دارد.

صبحانه

دوستی با طبیعت

گاهی وارد طبیعت شو و بگذار که نسیمی خنک و زیبا چهره‌ات را نوازش کند. اگر کمی با خود ببندیشی، می‌بینی که گاهی همین خوشی‌های کوتاه و ارزان، تمام زیبایی‌های زندگی را خلق می‌کنند.

منبر

نشانه اهل ایمان

گفتاری از **حجت الاسلام والمسلمین غلامعلی صفایی بوشهری**



که کاملاً در دایره تنزل جسم هست، نه تعالی شخصیت، انسان هم با جسمش محشور نمی‌شود، در مرتبه جسمش محشور نمی‌شود که چقدر قوت دارد یا چقدر ضعف دارد، با مرتبه شخصیتش محشور می‌شود. آن شخص در قیامت یا حتی در عالم برزخ با شخصیتش و در

قالب جسمش محشور می‌شود و با آن برخوردی می‌شود که مرتبه شخصیت اوست. کسانی که شخصیت الهی دارند، دینی زندگی می‌کنند و به یک معنا «اهل ذکر و ذکر» هستند؛ یعنی هم خود را در محضر خدا می‌دانند و هم اینکه قلب‌شان و زبان‌شان و رفتارشان الهی است.

آیه

عامل رشد امت اسلامی؟

طرحی حساب شده و بلندمدت دارد. او پیشنهاد گناهان بزرگ و نابودی یک‌باره را نمی‌دهد، بلکه با انحرافات ناچیز و «یک درجه‌ای»، آرام‌آرام ما را از مسیر مستقیم منحرف می‌کند؛ بنابراین، نخستین گام در حفظ سرمایه‌های معنوی، هوشیاری دائمی و «خودپایی» است. این تجمیع سرمایه معنوی و علمی است که انسان را بالا می‌برد. خداوند در سوره مجادله، آیه ۱۱ می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»؛ یعنی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و به آنان علم داده شده، درجات بلندی می‌بخشد.

برای صیانت از این سرمایه‌های گرانبها، اسلام و مکتب اهل بیت(ع) راهکارهای عملی متعددی ارائه داده‌اند؛ خودسازی و تهذیب نفس: اساس حفظ سرمایه، پالایش درونی و مبارزه با هواهای نفسانی است. انسان باید با زدودن آلودگی‌هایی که به صفات رذیله تبدیل می‌شوند، جارا برای فرشته فضایل اخلاقی باز کند و با تقوای الهی، سپری در برابر امیال خطرناک و انحرافات تدریجی قرار دهد. این خودسازی، مستلزم محاسبه دائمی و نگاه آینده‌نگر است.

تقویت باور و ایمان: ایمان، موتور محرکه و جوهره اصلی سرمایه معنوی است. هرچه ایمان و یقین قلبی مستحکم‌تر باشد، سرمایه روان‌شناختی و معنوی فرد و جامعه رشد و توسعه بیشتری یافته و استحکام آن در برابر چالش‌ها افزایش می‌یابد. این باور، انسان را در برابر رذایل اخلاقی و وسوسه‌های شیطانی مقاوم کرده و او را به چشمه‌سار فیض الهی متصل می‌کند.

استمرار در عمل صالح و عبادت: عمل

صالح، نمود عینی ایمان و عامل شکوفایی سرمایه معنوی است. عبادات شبانه‌روزی، به‌ویژه «رهبانیت شب» که با استمداد از خداوند همراه است، روحیه توکل، قدرت و شجاعت را در صحنه‌های زندگی و جهاد اکبر به ارغان می‌آورد. به تعبیر دیگر، هر حرکت مؤمن در مسیر خدا، سرمایه‌ای است که «من کان لله، کان الله له» تحقق می‌یابد. تربیت و تعلیم: عالمان شیعه با تکیه بر قرآن و سنت، همواره به بسط و تدوین اندیشه‌های ناب اسلام در حوزه‌های گوناگون (از جمله اقتصاد و علوم انسانی) همت گماشته‌اند. این رویکرد، نشان از آن دارد که سرمایه علمی و فکری، گسسته از امور معنوی و عبادی نیست و هرگونه پیشرفت، مشروط به توسعه همه‌جانبه بر اساس ارزش‌های اسلامی است.

در نهایت، حفظ سرمایه‌های معنوی، فرآیندی پویا و مستمر است که نیازمند تلاش شبانه‌روزی و هوشیاری در برابر انحرافات تدریجی است. همانگونه که امام خمینی(ره) با تکیه بر سرمایه عظیم ایمان و توکل خود، توانستند ملتی را بیدار و انقلابی عظیم به پا کنند، هر فرد نیز با حفاظت از این سرمایه‌های الهی، می‌تواند به پیشرفت و عزت دنیوی و اخروی نائل آید و در شمار بندگان صالحی درآید که وارث زمین هستند. خداوند در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ اشاره می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ یعنی در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته من وارث (حکومت) زمین خواهند شد که حاصل انباشت سرمایه‌های معنوی است.

صادقانه

ناگفتنی‌ها

الإمام علی(علیه‌السلام): «لَا تَرُدَّ عَلَى النَّاسِ كُلَّمَا حَدَّثُوكَ فَكُفَى بِذَلِكَ حَقًّا»؛ هر چه را مردم به تو گفتند، به مردم مگو و بر مگردان، که همین در نادانی و حماقت، کافی است!

(غررالحکم، ج ۶، ص ۲۸۱)

غیر رسمی

شنیدن

دیدگاه‌های متفاوت!

یکی از ویژگی‌های رهبر شهید، روحیه حق‌طلبی و سعه صدر در مواجهه با دیدگاه‌های گوناگون بود؛ به گونه‌ای که در جلسات متعدد، اعضای شورای نگهبان یا دیگر مسئولان بدون هیچ نگرانی دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کردند و ایشان با دقت به استدلال‌ها گوش می‌دادند و هر جا استدلالی را صحیح می‌یافتند، از پذیرش آن ابایی نداشتند.

رهبر شهید انقلاب همواره تأکید داشتند که در بررسی صلاحیت‌ها و تصمیمات مختلف باید نهایت دقت به خرج داده شود تا حقی از افراد تضییع نشود. با وجود جایگاه رهبری و مرجعیت، ایشان در نهایت تواضع و فروتنی رفتار می‌کردند. در جلسات، شخصاً برای آوردن کتاب از جای خود بلند می‌شدند و هنگام ورود حاضران نیز به احترام آنان از جای برمی‌خاستند.

جا دارد این نکته را نیز بگوییم که رهبر شهید انقلاب از نوجوانی با قرآن کریم مأنوس بودند، اهتمام ویژه‌ای به تلاوت، تدبر و حفظ قرآن داشتند و همواره مطالعه را یکی از برنامه‌های ثابت زندگی خود قرار داده بودند. همچنین اهتمام ویژه‌ای به دعا، توسل و بهره‌گیری از صحیفه سجادیه و دیگر ادعیه مأثور داشتند.

آیت‌الله محمدمهدی شب‌زنده‌دار، عضو شورای نگهبان

حسن ختام

سلامی تا ظهور

گاهی باور کردن بعضی رفتن‌ها دشوار است؛ انگار بخشی از تکیه‌گاه روزگار ناگهان از برابر چشم‌ها کنار می‌رود. هنوز هم هر بار که نامش را می‌شنوم، ذهنم به سال‌هایی می‌رود که در بزنگاه‌های سخت، صدایش مایه آرامش دل‌ها بود و نگاهش امید را در دل مردم زنده نگه می‌داشت. بزرگان را تنها با مسئولیت‌های‌شان نمی‌توان شناخت؛ آنچه آنان را ماندگار می‌کند، ردپایی است که بر دل انسان‌ها می‌گذارد و رهبر شهید همان مسئولی است که بر دل‌های‌مان هممان شد.

مولاجان یا صاحب‌الزمان(عج) می‌دانم شما هم داغدارید؛ داغدار کسی که در سلام‌هایش به شما با تمام وجود اشک می‌ریخت و صدای‌تان می‌کرد؛ با این همه انده‌ها اما منتظریم که بیایید تا آقای شهیدمان را در سپاه‌تان ببینیم و افتخار کنیم که رهبرمان سرپایز شماست.

